

نورنامه

مجله فرهنگی اجتماعی

شماره اول
نوروزنامه



نوامید

نگاه نو
به نوروز

بهار
روز زاگرس
روز ایرانیان
روز آذربایجان
روز دانشجویی

مولد

هیئت تحریریه

صاحب امتیاز: مدیریت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس

مدیر مسئول: اسماعیل موسوی
سردبیر: حسین خواجه علی اشتری
دبیر اجرایی: محمد مشرفی

هیئت تحریریه: سید مجتبی عبدسیدی نیا، حسین خواجه علی اشتری، محمد مشرفی
نویسندگان همراه: سید مجتبی عبدسیدی نیا، فرشاد باوندپور، راحله صالحی، ساجده
سادات حسینی، هادی قاسمی، مبین شیرزاد، متین رجبی

گرافست و صفحه آرا: الناز جعفریان / گروه هنری اید

ویراستار: حسین خواجه علی اشتری

این نشریه دارای مجوز به شماره ۱۹۲۵/۲۷۶۷۵ در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۷
از معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس می باشد.

سخن سردبیر

به نام خداوند حکیم

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید/ که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید

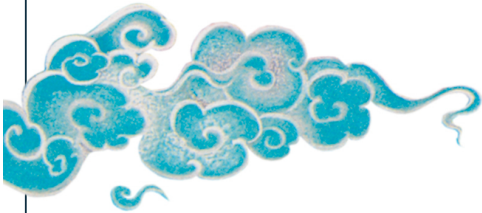
از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش/ زدهام فالی و فریادرسی می آید

اینجانب حسین اشتری افتخار این رو دارم که اولین شماره مجله فرهنگی اجتماعی نوامید رو به عنوان سردبیر خدمت شما باشم. این مجله در قالب بزنگاه نامه صرفا با یک هدف به سمع و نظر شما خوانندگان عزیز می رسد، آنهم ایجاد امیدوی تازه به دور از تمام اتفاقات اطرافمون است؛ از همین رو قالب بزنگاه نامه از بین قالب های ماه نامه و فصل نامه و ... انتخاب شد که بتونه در بزنگاه ها نقش آفرینی کنه.

زمانی که داشتم دنبال یک اسم مناسب که با هدف مجله بخوره می گشتم، نوامید توجه ام رو جلب کرد؛ نوامید واژه ای با یک الف سرنوشت ساز است، منظورم اینه که اگر ما الف رو از این واژه بگیریم نوامید میشه! دقیقا نقطه مقابل امید، به قول فاضل نظری: یک نقطه بیشتر فرق بین رحیم و رحیم نیست؛ بترس از آن نقطه که شیطانیت کند. به راستی گاهی یک الف یا یک نقطه چه کارها که می کنه. حتی توی خوندن این واژه اگر کلمه الف رو درست ادا نکنیم هم گرفتار نوامیدی می شیم. چیزی که دقیقا دارم بهش فکر میکنم اینه که نوامیدی و نوامیدی هر دو نگرش ما به زندگی، هر دو شیوه فرائد ماست، هر دو زاویه دید ماست، هر دو رنگی که ما به زندگی می زنیم؛ فارغ از تمام اتفاقات اطراف چه در سطح کلانش و چه در سطح خردش به نظرم میشه امیدوارانه بهش نگاه کنیم. می دونی چیه؟ من فکر می کنم توان با شوق کوهی را زیا کند؛ فسرده خوار نتواند ز یا کند. □

این اولین نوشته مجله نوامید هست و می خواستم خیلی خودمونی بدور از اصطلاحات ادبی و سخت با شما دانشجویان فرهیخته و هر آنکس که این مجله رو می خونه صحبت کنم. پیشاپیش سال نو رو به همه شما تبریک میگم و امیدوارم نوامید روزتون مبارک باشه.

دوستدار شما / اشتری



نومید

نومید باستانی

یادداشت مدیر مسئول

نویسنده:
اقایاسماعیل مسعودی

دانشجوی کارشناسی ارشد
حقوق کیفری و جرم شناسی

آیین بسیار زیبایی برای جشن‌های نوروزی از دوران قدیم بجا مانده است. ایرانیان در روز ششم از جشن‌های نوروزی به پاسداشت امید بر می‌خواستند که با توجه به این موضوع به نوعی می‌توان این روز را در مقایسه با واژه نوروز، نومید روز (روز ششم فروردین در گاه‌شمار ایرانی) نیز نامید که به گفته مورخان گذشتگان ما آرزوها و خواسته‌های نیک خود را برای دیگران می‌نوشتند و به دست آنها می‌سپردند و تا سال بعد نزد یکدیگر نگاه می‌داشتند. به نظر می‌آید نامه نویسی و شادباش نویسی از آیین‌های این روز بوده است، طبق آیین زرتشت در این روز همه در قالب نامه پیام‌های تبریک خود را که به واژه‌ی شادباش معروف می‌باشند روی کاغذ نگاشته، همراه با نقاشی یا هدیه‌ای به یکدیگر می‌دهند و این روز را گرمی می‌دارند. در واقع با این رسم، آرزوها و خواسته‌های نیک خود را به هم می‌سپارند. نوشتن آرزوها و اهداف از دیرباز مورد توجه ایرانیان بود. آن‌ها به نوشتن برای تحقق یافتن امیدها و آرزوهایشان باور داشتند. از جمله شادباش‌هایی که به یک دیگر می‌دهند نوید پیروزی نور بر تاریکی یا همان امید است. در نظر ایرانیان باستان امید نشانه‌ی داشتن حال خوب در سالی جدید و نیکو است.

بنابر این امید و امیدوار بودن از دیرباز نزد ایرانیان آنقدر مهم بوده و هست که حتی یک روز در تقویم را به آن اختصاص داده‌اند. عنوان‌هایی که انگار این روزها، بیشتر از همیشه و هر چیز دیگری به آن نیاز داریم و شاید بد نباشد بعد از اندیشیدن هر روزه به مشکلات، گرانی‌ها و ... که دامنگیرمان شده است، لحظاتی و شاید حتی یک روز را هم فقط از امید و نومید بگوییم و درباره روزهای خوب و شاد بیندیشیم، بگوییم و بنویسیم. (بخش‌هایی از متن برگرفته از کتاب گاه شماری و جشن‌های ایران باستان نوشته آقای هاشم رضی بوده است)

افتخار داریم که شماره اول این مجله که تماماً از دل دانشجویان با گرایش‌های مختلف برگرفته است را در تقارنی فرخنده با عید نوروز باستانی و روز نومید باستانی به سمع و نظر شما همراهان گرمی برسانیم. بر خود لازم می‌دانم از حسن توجه عزیزان خواننده کمال قدردانی را داشته باشم و با توجه به اینکه شماره اول مجله هست اگر نقصی وجود داشت پوزش می‌طلبم و از جانب تمام دست‌اندرکاران مجله اعلام می‌دارم از بیان اشکالات، پیشنهادات و همکاری تمامی دانشجویان عزیز صمیمانه استقبال می‌کنیم. همچنین در پایان به نوبه خودم یک خسته نباشید و تشکر ویژه نیز از همکاران زحمتکش در مجله دارم. پیشاپیش نوروز و نومید باستانی بر همگان فرخنده باد



نوامید

نوروز

نویسنده:
متین رجبی

دانشجوی کارشناسی ارشد فیزیوتراپی



نوروز نخستین روز سال خورشیدی ایرانی برابر با یکم فروردین ماه، جشن آغاز سال نوی ایرانی و یکی از کهن‌ترین جشن‌های به جا مانده از دوران ایران باستان است؛ نوروز در مناطق وسیعی در آسیا و دیگر نقاط جهان جشن گرفته می‌شود؛ بهار با نوروز آغاز می‌شود و بهار نامی آشناست نامی از سر طراوت، به نوعی این روز نیست که نو می‌شود این طبیعت است که مجدد زنده می‌شود؛ آری طبیعت بی برگ، طبیعت سرد، طبیعت

در تاریخچه و آداب و رسوم عید نوروز آمده است که نوروز سمبل پیروزی خوبی بر بدی است به این دلیل ما ایرانی‌ها این روز را جشن می‌گیریم. در افسانه‌های می‌گویند: ریثون غلبه‌ی گرمای نیم‌روز و ماه‌های تابستان است که با حمله غول زمستان به زمین ریثون به زیر زمین می‌رود تا آبهای زیر زمینی را گرم نگه دارد و با اینکار گیاهان و ریشه درختان را از مرگ نجات دهد گرما در بهار نمادی است از پیروزی خوبی بر بدی است.

جشن نوروز با تحویل سال یا لحظه برابری اعتدال بهاری آغاز می‌شود؛ لحظه‌ای که خورشید در سیر ظاهری خود در ابتدای برج حمل، از استوای زمین گذشته و برابری روز و شب رخ می‌دهد.

آهوی آتشین روی چون در بره درافتد کافور خشک گردد با مُشک تر برابر

در این شعر آهوی آتشین، خورشید است (آهو در ادبیات کهن فارسی نماد بهار و شیر نماد زمستانست) که نقطه اعتدال برج حمل (بره) وارد می‌شود و روز (کافور خشک) با شب (مشک تر) با هم برابر می‌شوند.

در ادبیات کهن مردم ایران بزرگ، روز نماد روشنایی، شادی، امید و زندگی است که در تقابل با آن، شب مظهر تاریکی، غم، ناامیدی و جمود قرار دارد؛ اما روز از طلوع فلق در تاریک‌ترین لحظه شب آغاز می‌گردد، یعنی تابش بارقه‌های امید و روشنایی، از دل تاریکی و ناامیدی.

نوروز یعنی پایان غلبه شب‌های طولانی سرد و تاریک زمستان و آغاز غلبه روز‌های طولانی و گرما بخش و امیدبخش بهار و تابستان است. شاید بتوان گفت نوروز لحظه تولد امیدنو در طبیعت، لحظه زنده شدن دوباره طبیعت و زندگی یعنی حرکت یعنی سرزندگی. اما به راستی باورمان بر این است؟ باورمان بر این است یا صرفاً این مطالب را در حد کلمات زیبا باور داریم؟ باورمان بر این است یا اعتقاد داریم که فلق از دل سیاه‌ترین زمان زده می‌شود، افول سیاهی شب در اوج آن، در شب یلدا شروع می‌شود؛ به راستی که در حیرتم که پشت به محراب کرده‌ایم؛ در کشوری که قبله نما موج می‌زند.

به راستی چه درسی می‌توان از طبیعت آموخت؟ به نظر می‌رسد نوروز یعنی درس امیدواری یعنی همانطور که همیشه از پس هر زمستانی بهاری است، پس هر تاریکی، روشنی و پس هر سختی، گشایشی است. همانطور که خداوند در قرآن کریم تأکید می‌کند از پس هر سختی، آسایشی قرار دارد (إن مع العسر یسرا).

ای بسا کارا که اول صعب گشت بعد از آن بگشاده شد سختی گذشت

به راستی باور کنیم و امسال رو با این باور شروع کنیم که همگام با طبیعت، ما نیز باید روزگار نو کنیم و با روان تازه و امید نو سال را آغاز کنیم. با آرزوی سالی پر از خبر و برکت برای شما

نوامید سال

نویسنده:
مبین شیرزاد

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک

فصل بهار، زمانی است که طبیعت با تکیه بر خود زنده می‌شود و تمامی مخلوقات، بارنگ‌های جدید و لبریز از انرژی زندگی جدیدی را آغاز می‌کنند؛ اما برای ما، نوروز بیشتر از یک تغییر فصلی است؛ آن یک نماد امید و تجدید زندگی است. در هر زمانی که نگاهی به تاریخ‌های گذشته بیندازیم، می‌بینیم که مردم از قدرت نوروز به‌عنوان یک آغاز تازه و امید برای آینده، بهره می‌برند. برای ایرانیان، نوروز به‌عنوان نمادی از ریشه‌ها و هویت فرهنگی خودشان است و در همین حال، به آن‌ها یادآوری می‌کند که همیشه می‌توان امیدوارانه و پرانرژی شروعی تازه داشت. همان‌طور که رودکی می‌گوید: [باز آمد به بهاران نیکو روزی]. گاهی به علت تکرار باید به‌دقت در طبیعت تأمل کرد، درخت و گیاهی که همه زیبایی‌اش را در پاییز از دست داده و اگر بخواهد منطقی فکر کند با کدام منطق می‌تواند دوباره سبز شدن خود را تجسم کند؟ ولی می‌بینیم که با پایان زمستان معجزه‌های در او رقم می‌خورد، در خودمان هم همین مسئله وجود دارد، گاه به شرایطی که در آن هستیم فکر می‌کنیم و با استدلال‌های فراوان امکان تغییر مثبت در زندگی‌مان را غیرممکن می‌بینیم ولی همیشه همه چیز طبق استدلال ما پیش نمی‌رود و باید به نیروی لایتناهی تکیه کنیم و تنها به او امید داشته باشیم آن وقت است که تغییر مثبت در زندگی‌مان را می‌بینیم. به اطراف خود که بنگریم، می‌بینیم بسیاری از ما فراموش کرده‌ایم که برای چه از عدم به وجود آمده‌ایم. آمده‌ایم تا مهر و امید را با دیگران تقسیم کنیم. آمده ایم تا خلایق را پر کنیم که فقط و فقط با وجود ما پر می‌شود. دستی از دوستی بگیریم تا بعد از سرمای استخوان سوز روزهای منجمدش، نوری تازه و امید نو سرما را از قلبش بچکاند. در پایان لازم می‌دانم از آیه ۳۶ سوره زمر وام بگیرم که می‌فرماید: آیا خدای (مهربان) برای بنده‌اش کافی نیست؟

نوامید سالتان مبارک.

نومید

روزایرانیان

نویسنده:
بانو ساجده سادات حسینی

نوروز بزرگترین عید ملی ایرانیان از زمان باستان بوده است و هنوز هم پابرجاست در این هنگام خورشید داخل برج بره (حمل) می شود آن را ((جشن فروردین)) هم گفته اند زیرا نخستین ماه سال به نام ((فرورهر)) می باشد. نوزدهمین روز هر ماه به نگاهی این فرشته سپرده است. فروردین روز در فرودین ماه موسوم است به فرودگان، برخی از علمای ایران معتقدند که نوروز جمشید به پادشاهی رسید و دین را تجدید کرد. دگر بار عید بودن نوروز را چنین گفته اند که چون جمشید برای خود گردونه ساخت و در این روز بر آن سوار شد جن و شیطان آن را حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم در شگفت شدند و این روز را جشن گرفتند و برای یاد بود آن در تاب می نشینند.

نوروز یکی از کهن ترین جشن های به جای مانده از دوران باستان است که از آن زمان تا کنون اقوام مختلف ایرانی همه ساله با نو شدن سال، نوروز را جشن می گیرند. آداب و رسوم نوروز در مناطق مختلفی از ایران با یکدیگر متفاوت است زیرا در کشور عزیزمان قوم های مختلفی با فرهنگ های متفاوت وجود دارد:

آداب و رسوم نوروز در پایتخت

در تهران شب سال نو غذایی پر قوت و گرم کننده مزاج به نام رشته پلو که با رشته پولوی با خرما و کشمش سرخ کرده درست می شود، آماده می گردد که تهیه و خوردن آن آدابی دارد.

آداب و رسوم نوروز در البرز

در البرز به چهارشنبه آخر سال یا همان چهارشنبه سوری "کل چارشنبک" یعنی "چهارشنبه بی اهمیت" می گفتند. علت این نام گذاری این است که ایرانیان قدیم در ۵ روز آخر سال دست از کار بر می داشتند و کار خود را تعطیل می کردند. همچنین در البرز رسم بود که زنان محله در اسفندماه به کمک هم خانه تکانی می کردند، در گویش البرزی ها به این کار یور می گفتند.

آداب و رسوم نوروز در آذربایجان غربی

از رسم های زیبای نوروزی در آذربایجان غربی رسم "تکم چی" ها است. تکم چی، تکم (بز ساخته شده از قطعات چوب) را چند روز قبل از عید در کوچه ها می چرخاندند و به ترکی اشعاری می خواندند و از مردم پاداش می گرفتند. مردم آذربایجان غربی اسفندماه را بایرام آیی (ماه عید) و هفته اول اسفند ماه را "چیله قووان" یعنی هفته ای که چله زمستان را فراری می دهد یا یالانچی چارشنبه "چهارشنبه دروغین" می نامیدند. آنها به چهارشنبه هفته دوم اسفند ماه "کوله چارشنبه" یعنی چهارشنبه کوتاه می گفتند و به سومین چهارشنبه "موشتولوقچی چارشنبه" چهارشنبه پیام آور" یا قره چارشنبه "چهارشنبه سیاه یا بزرگ" یا "خبرچی چارشنبه" می گفتند.

آنها در آخرین چهارشنبه سال لباس های تمیز و تازه می پوشیدند و کوزه ای نو را در صبح روز چهارشنبه آخر سال پر آب تازه می کردند و چایی صبحانه روز چهارشنبه شان را با آن آب درست می کردند تا بختشان باز و نیکو شود.

آداب و رسوم نوروز در چهارمحال بختیاری

در چهارمحال بختیاری زنان و کودکان اولین شنبه سال نو به بیرون از خانه می روند و گیاهان خوراکی تازه را می چینند تا بدی، پلیدی از مزارع و باغات آنها دور شود. به این رسم «شنبه گردی - شنبه گردش» می گویند که بیش تر خاص زنان و کودکان است و خانواده ها بیرون نمی روند.

آداب و رسوم نوروز در خراسان جنوبی

مراسم شام نوروزی از مراسمات اهالی خراسان جنوبی است که در آن خانواده داماد برای تازه عروس عقد کرده خود به مبارکی سال جدید هدایایی مثل لباس، کفش و کیف و برنج، گوشت و ... می برد و خانواده عروس با مواد خوراکی در ایام نوروز شام یا نهار تهیه می کند و آن ها را به خانه خود دعوت می کنند تا ارتباطات مستحکم شو.

آداب و رسوم نوروز در سیستان و بلوچستان

در سیستان و بلوچستان مردم تمامی ظروف سفالی که در طول سال بهره برداری می شد را به بالای بام برده و می شکستند زیرا معتقد بودند ارواح پلید که درون آن ها جای گرفته اند، سبب ناخوشی خانواده و اعضای آن می شود. به سیزده به در در بلوچستان "سفر به در" می گویند و افراد اعتقاد دارند روح های پلید، جن ها و مصیبت ها که از هر روزه ای وارد خانه مردم شده و از تمیزی و خوش بویی گریزان هستند باید در این چند روز با خانه تکانی و سوزاندن مواد خوش بویی به نام "سوچکی" از خانه خارج شوند

آداب و رسوم نوروز در فارس

در شیراز آداب و رسوم خاصی برگزار می شود، آنها برای درخت نارنج خود مراسم عروسی می گیرند. بدین معنی که اگر درخت آنها بار کمی بدهد، زن صاحب خانه، زنان همسایه را دعوت می کند سپس زن صاحبخانه اهره ای برمی دارد تا شاخه های درخت را ببرد اما یکی از زنان همسایه واسطه می شود و نمی گذارد او این کار را انجام دهد. سپس روی درخت تور بسیار نازکی می کشند و شکر بنیر روی آن می پاشند، کل می زنند، با خواندن واسونک شادی می کنند. این مراسم برای این برگزار می شود تا آن درخت، سال بعد در فصل بهار، بار نارنج زیادی دهد.

آداب و رسوم نوروز در کرمان

در کرمان هنگام تحویل سال آتش رشته می پزند و رشته آتش را زمان تحویل سال درون آن می ریزند تا پایان سال رشته کارها در دستشان باشد. در برخی نقاط خانم ها خود رشته بریده و آتش درست می کنند. کرمانی ها معتقدند در زمان تحویل سال آب های جاری در یک لحظه می ایستند. در برخی مناطق استان کرمان با زعفران و گلاب بر بدنه یک کاسه چینی دعا ی مخصوص تحویل سال را می نویسند و با آن شربت درست می کنند و تمام اعضای خانواده این شربت را می نوشند تا تمام طول سال سلامت باشند

نومید

نگاه نو به نوروز

نویسنده:
اقای سید مجتبیٰ عبدسیدی نیا

دانشجوی فلسفه تعلم و تربیت
دانشگاه تربیت مدرس
مقطع دکتری

هر مقوله‌ایی را به وجهی می‌توان مورد تامل و تفکر مفهومی قرارداد، نوروز نیز از این قاعده مستثنی نیست. ولی پیش از آن لازم است بین نو امید و نوروز و تناسب این دو، نکته ایی یادآوری شود و آن اینکه، در نوروز «نو» بودن علاوه بر طراوت و تازگی، تداعی گر امید نو در سال نو نیز می‌باشد. چپستی، اهمیت و ضرورت نوروز، با کهن-روزها یا کهنه روزهایی سنجیده می‌شود که نوروز نبودند. نوروز مفهومی است که می‌توان که آن را به دو مفهوم تقطیع نمود، نو و روز، این مفهوم سازی به نظر می‌رسد ریشه در تقابل روز و شب یا نور و تاریکی دارد که از فرهنگ ایران باستان سر چشمه می‌گیرد. نوروز، منطق گذشته را، لباسی نو می‌پوشاند و سفره‌اش، سفره های پیشین را، طرح و رنگ دیگری می‌بخشد، طرح و رنگی به وسعت چندین اقلیم و چندین مذهب، از گرجستان تا آذربایجان و از آلبانی تا چین و از ساکنان گرفته تا مهاجران، از تهران گرفته تا تهران جلس. بنابراین سفره نوروز، مستطیلی است به درازای اقلیم ها و به پهنای مذاهب؛ عید در "عید نوروز" و دعای تحویل سال و قرآن کریم در وسط سفره، فرازهای از پهنای مذهبی آن است. حال زمان آن فرا رسیده است تا برخی اقلیم های نوروزی را درنوردیم؛ نوروز سرمایه نمادین و معنوی است؛ نوروز زیست فرهنگی ماست و نوعی خودآگاهی و بلوغ فرهنگی است. عید نوروز هویت بخش است؛ البته نه هویتی خشک و منجمد بلکه هویتی آمیخته با تغییرات و پیشامد ها؛ هر چه باشد پیوند خود را با نسل های مختلف، حفظ نموده و با تغییرات و انقلابات سازگار و سازواره گردیده است؛ نوروز محل تلاقی شکوه و جلال طبیعت انسانی با طبیعت طبیعی است یا به عبارتی دیگر، مظهر تعادل امر معقول و امر طبیعی است. سفره هفت سین یکی از مظاهر تعادل امر معقول و امر طبیعی و یکی از محل های تلاقی طبیعت انسانی با طبیعت طبیعی در نوروز است. سازماندهی و ساختار هفت سین با ابعاد طبیعی (سیب، سیر، سمنو، سنجد، سبزه، سرکه) و ابعاد انسانی (سکه و قران و ...) باز آفرینی جلوه های طبیعی و فرهنگی را ممکن ساخته است سفره هفت سین توصیفی است تصویری، از اشیا رنگی؛ مینباتوری است از نور و رنگ با جلوه ای بصری و حرکتی، با تاکید بر حس و حال درونی-انسانی و بیرونی-طبیعی. سفره نوروز، نوعی فضااست؛ فضای آشتی بین انسان با طبیعت و انسان با انسان؛ فضای امتزاج طعم و طبع؛ هر چه باشد سفره نوروز با سفره غذا تفاوت ماهوی دارد. در سفره نوروز نوعی امساک است که در دیگری نیست، امساک برای آنان که نیامده اند یعنی برای آینده گان. از منظر علم زبانشناسی فرهنگی نیز می‌توان به واکاوی نوروز پرداخت؛ در این علم به پنج طرحواره اشاره شده است: طرحواره رویدادی، طرحواره نقشی، طرحواره تصویری، طرحواره گزاره‌ایی و طرحواره احساس. در ادامه به برخی مصداق های طرحواره های نوروزی پرداخته می‌شود: در تک تک افراد یک جامعه معمولاً طرحواره های مشابهی از رویدادهای نوروزی وجود دارد، (رویدادهایی مثل دید و بازدید، خوردن تنقلات و ...) این رویدادها همان طرحواره رویدادی هستند. هر یک از رویدادهای نوروزی شامل زیر مجموعه خاص خود می‌باشد؛ برای نمونه رویداد دیدوبازدید شامل دست دادن بوسیدن و تبریک گفتن و ... است.

- ▶ طرحواره دوم طرحواره نقشی است؛ افراد در ذهن خود از نقش خودشان به عنوان میهمان یا میزبان نوروزی، یک ساختار دانشی دارند. به این نوع ساختار دانشی، در زبانشناسی فرهنگی، طرحواره نقشی اطلاق شده است. اینکه افراد کم سن و سال، باید دید و بازدید را شروع کنند و نقش میهمان را داشته باشند و اشخاص مسن نقش میزبان را داشته باشند، بیانگر طرحواره نقشی است.
- ▶ سومین طرحواره، طرحواره تصویری است، این طرحواره، ساختارهایی را برای مفهوم سازی ایجاد می‌کند، این ساختارها حاصل انتزاع میانی، بین تصور ذهنی و گزاره‌ای انتزاعی است. برای مثال تصور ذهنی زمستان به مثابه یک پیر زن نوعی طرحواره تصویری است و همچنین قول حافظ شیرازی "عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد." نیز در این طرحواره می‌گنجد.
- ▶ طرحواره چهارم طرحواره گزاره‌ایی است این طرحواره مدل فکری و رفتاری می‌باشد که بر اساس انتزاعاتی است که در زبان تجلی می‌یابند. این انتزاعات به تعریف جهان بینی نزدیک است. مدل فکری "زردی من از تو، سرخی تو از من" و مدل های رفتاری پریدن از روی آتش و ریختن خاکستر آن آتش به رودخانه و در کوبیدن در بازگشت و ... مثالی از این طرحواره است.
- ▶ آخرین طرحواره، طرحواره احساس است. احساسات، حاصل تصورات هدفمند هستند. احساس شرمندگی پدر بزرگی که فراموش کرده است عیدی نوه اش را بدهد ذیل طرحواره احساس می‌گنجد. خب جا داره منم هم به نوبه خودم عید نو روز رو پیشاپیش به شما خوانندگان عزیز تبریک بگم امید وارم طرح و نقش سفره ی هفت سین شما پر طرحواره و رنگارنگ، احساسات، مشحون از شور و شعف و امیدتان نو باد.



نوامید

آوای امید

نویسنده:
محمد مشرفی

دانشجوی کارشناسی ارشد
مهندسی مکانیک
گرایش طراحی کاربردی

در صفحات مجله "نوامید"، در میان بحث‌هایی درباره‌ی هنر، جامعه و فرهنگ، آوایی از امید به گوش می‌رسد و انرژی را به دل‌های دانشجویان می‌رساند. با هر مقاله و مطلب، یک پرتوی امید نسبت به راه آینده پدیدار می‌شود و خوانندگان را به، درآغوش گرفتن مسیری که پیش روی آن‌هاست تشویق می‌کند.

"نوامید" از طریق ادبیات، فضایی را ایجاد می‌کند که در آن ایده‌ها گسترده می‌شوند و رویاها پرواز به پرواز در می‌آیند. از مقالات الهام‌بخش تا داستان‌های جذاب، این مجله بحث‌ها را آغاز می‌کند و ذهن‌ها را روشن، جامعه‌ای را که با اشتراک گذاشتن ایده‌ها و باورها به قدرت دانش متصل شده‌اند، تقویت می‌کند.

هرگاه خوانندگان در صفحات آن غرق شوند، با یک مجموعه از دیدگاه‌ها و تجارب روبرو می‌شوند که هر کدام به درک غنی‌تری از جهان و پیچیدگی‌های آن کمک می‌کند. در این تبادل ایده‌ها، "نوامید" بیش از یک مجله می‌شود؛ به یک محرک برای تغییر تبدیل می‌شود، دانشجویان را به تصور آینده‌ای پر از امکانات و قول‌هایشان که خود سازنده آن هستند تشویق می‌کند.

هر شماره، تعهد "نوامید" به تغذیه ذهن‌ها و ایجاد امید را تأیید می‌کند، به خوانندگان یادآوری می‌کند که حتی در مقابل نامعلومی، همیشه جای امید و رشد وجود دارد. از طریق این تلاش برای امید و نوآوری، این مجله ادامه می‌دهد به الهام‌بخشی و دانشجویان را به کسب فرصت‌هایی که در راه کشف آن‌هاست، تشویق می‌کند.

جا داره من هم به نوبه خودم این نوامیدروز آغازین سال رو خدمت همه شما مخاطبان مجله نوامید تبریک بگم و ارزوی بهترین‌ها رو برای شما دارم.

دوستدار تمام شما عزیزان / محمد مشرفی



بهار آمده، بیایم غبار غم از زاگرس عذار و دامان طبیعت بزدایم

هم میهنان ارجمند و زاگرس نشینان غیور سلام و درودتان باد

همه می دانیم زاگرس سالی را که به پایانش نزدیک‌تر می‌شویم را عذار بود. عذار از دست دادن عزیزانش و داغدار آتشی که بر جان فرزندانش، بر بلوط‌های زیبا و کوه‌های پر از رمز و راز و خاطره و حیات دل‌انگیز و جاودانه‌اش نشست و تمامی دوستدارانش را غرق در ماتم خود کرد.

همان‌گونه که رسم است قبل از موسوم عید بار غم و گرد و غبار از هم از کاشانه و هم از دل می‌زداییم بیایم به رسم مهرورزی به رسم فرهنگ والای ایرانی و اسلامی در طول ایام عید نوروز زمانی که به دامن پرمهر طبیعت و زاگرس سرسبز رفتیم رخت غم و عزایش را به دور انداخته و رختی نو بر تن تنومند زاگرس و طبیعت مهربان بیوشانیم. نه اینکه غمش را دوچندان کنیم.

در ایام نوروز و در سال جدید بیایم:

(۱) شاخه درختان را نشکنیم و نسوزانیم

حیوانات را شکار نکنیم و نیازاریم

زیاله‌هایمان را در طبیعت رها نکرده و به همراه خود بیاوریم و به طور صحیح و مدیریت شده دفع کنیم

(۲) در طول ایام نوروز پیشنهاد می‌کنیم که هر یک از عزیزان هم‌میهن در هنگام تفرج در طبیعت به‌اندازه‌ی توانشان مقداری از زیاله‌های رهاشده در دامان طبیعت، را جمع‌آوری کرده و با همکاری سایر ارگان‌ها و سازمان‌ها به طور صحیح آن را دفع نماییم. به فرهنگ و شعور و مهرورزی والايتان ایمان داریم

به امیدی سالی پر از خیر و برکت و سلامتی و بهروزی برای هم‌میهنان عزیزم

با تقدیم احترام / فرزند زاگرس

نوامید

روز زاگرس

نویسنده:
فرشاد باوندپور

نوروز

آذربایجان

نویسنده:
هادی قاسمی

دانشجوی دکتری تخصصی
بیماری شناسی گیاهی

عید نوروز بهانه‌ای برای دیدار و در کنار هم بودن است، زمستان که به سمت تمام شدن می‌رود موسم، نسیم بهار نه تنها در شهر بلکه در وجود آدمی شروع به وزیدن می‌کند، همه در تکاپوی پذیرایی بهار و نوروز هستند از خرید خوراک و پوشاک گرفته تا خانه تکانی دل گرفته و شور، نشاط و شادی که حاکم بر مناطق مختلف کشور می‌شود، آداب و رسوم قدیمی هر منطقه یادگاری گرانبها از گذشته‌های دور آن منطقه می‌باشد.

یکی از اعیاد بزرگ و باشکوه مردم آذربایجان شرقی، عید نوروز می‌باشد. رسم‌ها و جشن‌های نوروزی در این ایام در گوشه کنار استان برگزار می‌شود. با گذر زمان در دل تعاملات فرهنگی آداب و رسوم عید نوروز در این مناطق از کشور دچار فراز و نشیب شده است. در آذربایجان شرقی رنگین‌کمانی از اقوام و ادیان یک مجموعه کوچک از ایران گرد هم آمده‌اند و ویژگی‌های منحصر بفردی به این آئین باستانی بخشیده‌اند.

در این متن سعی بر آن است که دیدگاه‌ها و آداب و رسوم مردم آذربایجان شرقی معرفی مختصری شود. از جمله رسم‌های مردم آذربایجان شرقی در ایام نوروز میتوان به شرح زیر اشاره کرد:
بایرام سوفراسی از آئین‌های قدیمی مردم آذربایجان:

برپایی سفره عید که به آن بایرام سوفراسی هم می‌گویند یکی از رسم‌های ویژه آذربایجان شرقی در هنگام تحویل سال است. در این آئین چند ساعت مانده به تحویل سال سفره‌ای که انواع میوه‌ها و خوراکی‌های محلی روی آن قرار داده و در خانه گسترده می‌شود. از جمله خوراکی‌هایی که روی سفره قرار دارد می‌توان به نخود ممان، سوجوق و باسلوق مراغه، آب نبات شکری تبریز، کشمش آذر شهر و مراغه، انجیر شیرازی و خرما صوفی اشاره کرد. روی سفره نوروزی افزون بر خوراکی‌های ذکر شده آینه، لاله، شمع، قرآن، کاسه‌ی پر از آب، ماهی و یک بشقاب پلو، سکه، سبزه سبز شده از گندم، نخود و یا عدس می‌گذارند که هر یک از خوراکی‌ها در فرهنگ مردم آذربایجان شرقی معنا و مفهومی نمادین دارد.

تاباخ برای تازه عروس‌ها:

بردن هدیه که به آن تاباخ گفته می‌شود برای تازه عروس‌ها از دیگر رسومات استان می‌باشد. در روزهای پایانی سال خانواده داماد، هدایا و میوه و شیرینی را روی سینی گذاشته و به خانه عروس می‌برند. هدایا شامل آجیل چهارشنبه، طلا و جواهرات و پارچه شیرینی و یک بشقاب غذای چهارشنبه آخر سال که آنها را در مجمیع گذاشته و به همراه چند تن از بزرگان خانواده به خانه عروس می‌برند.

صله ارحام از دیگر آئین ویژه نوروز در آذربایجان:

در آذربایجان شرقی در نخستین ساعات عید مردم به دیدار بزرگترها می‌شتابند و مدت کوتاهی پس از تحویل سال به دیدار اقوام و دوستان می‌روند تا دل‌هایشان جانی دوباره بگیرد. حفظ حرمت و احترام به بزرگترهای فامیل در کنار همه اعیاد و آداب و رسوم در آذربایجان شرقی از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است به گونه‌ای که اولین روز و اولین منزلی که مورد دید و بازدید در اعیاد به ویژه عید نوروز قرار می‌گیرد منزل و خانواده بزرگ‌ترین عضو خانواده است.

شال اندازی یا قورشاخ سالاماخ در روستاها:

شال اندازی یا قورشاخ سالاماخ یکی از رسم‌های رایج در اکثر روستاهای آذربایجان شرقی است. پس از آنکه در چهارشنبه آخر سال آتش افروزی به پایان رسید و همه به خانه‌هایشان بازگشتند. پس از شام جوان‌ها و نوجوان‌ها به پشت بام می‌روند و از روزنه سقف خانه‌ها شال-دستمال چهار گوش متصل به چند متر طناب را به داخل خانه آویزان می‌کنند و اهالی خانه به داخل آن گردو، کشمش، بادام پر می‌کنند و گره می‌زنند. گذاشتن تخم مرغ رنگی آبیز شده و جوارب و پول در داخل شال نیز رسم است. به طور کلی این گونه است که می‌گویند در برخی نقاط پسرهای نامزد دار برای عروس هدیه‌ای تهیه کرده و با همان شال به داخل خانه می‌فرستند که گاهی عطر و صابون یا پیراهن است و اگر وضع مالی خوبی داشته باشد انگشتری طلا. در مقابل خانواده عروس هم پیراهنی نو و جوارب در شال گذاشته و سپس به پشت بام رفته و پسر را برای صرف شام به خانه دعوت می‌کنند.

زیارت اهل قبور:

زیارت اهل قبور در آستانه عید نوروز، در میان مردم آذربایجانی شرقی رایج بوده و شادی‌های این روز را همراه با قرائت فاتحه و احسان کردن با اموات خویش تقسیم می‌کنند از این رو طبق رسم معمول روز قبل از عید اعم از اعیاد مذهبی مانند عید فطر و قربان یا اعیاد ملی، در آخرین پنجشنبه سال باید به زیارت اهل قبور رفت.

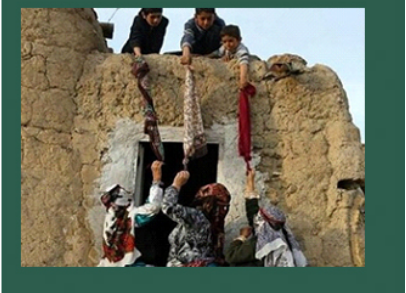
تکم چی‌ها رسمی فراموش شده:

تکم گردانان بین دو چهارشنبه آخر سال که در آذربایجان شرقی به این روزها «کول چرشنبه» و «گول چرشنبه» می‌گویند، به کوچه‌ها می‌آیند و با خواندن شعرهایی همراه با تکم گردانی، فرا رسیدن نوروز را مژده می‌دهند. این آئین از جمله رسم‌های زیبای ایام نوروز در آذربایجان شرقی است که به فراموشی سپرده شده است.

تکم چی به طور نمادین، بز ساخته شده از قطعات چوب را در کوچه‌های روستاها و شهرها می‌چرخاند و در حالی که اشعاری به زبان ترکی و با صدای دلنشین می‌خواند. تکمچی با خواندن آواز و تصنیف به در خانه‌ها می‌رود و آمدن بهار را مژده می‌دهد: آی تکمین کندی وار، کمندی وار کندی وار / هر قاپودا اویناسا، بیر نلبکی قندی وار

ترجمه: تکم ده دارد / کمند دارد و ده دارد / جلوی هر دری برقصد / یک نعلیکی قند پاداش دارد...

خانواده‌ها با دادن شیرینی، هدیه و یا گاهی پول که به آن «بایرام پایی» می‌گویند، به تکم چی پاداش می‌دهند.



نومید

روزایرانیان

نومید



